

بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان)

رسول ربانی، صمد کلانتری، وحید قاسمی، فروغ السادات عریضی و رضا اسماعیلی
گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

چکیده

توسعه چه به عنوان برنامه و چه به عنوان فرآیند، دارای محصول و پیامد است. مهم‌ترین نتیجه مورد انتظار آن افزایش کیفیت زندگی آدمی است. رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی از عناصر مهم کیفیت زندگی به شمار می‌آیند. پرسش اصلی که این مقاله درصدد پاسخگویی به آن است این موضوع است که آیا در فرآیند توسعه، رابطه‌ای بین رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی وجود دارد؟ به لحاظ روش شناختی، نوع روش مورد استفاده در این مطالعه ترکیبی از پیمایش و تحلیل ثانویه بوده است. به منظور سنجش رفاه اجتماعی و ابعاد فرعی آن از تحلیل داده‌های سازمانی و برای سنجش سرمایه اجتماعی و ابعاد فرعی آن، از داده‌های پیمایشی با حجم جمعیت نمونه 2536 نفر استفاده شده است. براساس نتایج پژوهش، شهرستان‌های استان اصفهان به لحاظ شاخص‌های رفاه و سرمایه اجتماعی دارای وضعیت متفاوت می‌باشند. موقعیت شهرستان‌های مورد بررسی را می‌توان در هفت گروه طبقه‌بندی کرد. شهرستان اصفهان به لحاظ رفاه، از بالاترین سطح و به لحاظ سرمایه اجتماعی از پایین‌ترین سطح برخوردار است. در صورتی که شهرستان داران از لحاظ شاخص سرمایه اجتماعی در رتبه اول و به لحاظ رفاه اجتماعی در سطح بسیار پایین قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، توسعه متوازن، کیفیت زندگی، مشارکت، استان اصفهان

A Study of the Relationship between Social Welfare and Social Capital in Development Process (Case Study: Counties of Isfahan Province)

R.Rabbani, S. Kalantari, V.Ghasemi, F.Orezi and R.Esmali

Department of Social Sciences University of Isfahan

Abstract

Development, either as a program or as a process, has production and consequences. The most important and expected result of development is a promotion in the quality of human life. Social welfare and social capital are the key elements of quality of life. The main question the researchers in this article try to answer is: "Is there any relationship between social welfare and social capital in the process of development"? Methodologically, the conducted method in this study is based on a combination of survey and secondary analysis. An Analysis of organizational data and the survey data were used to measure the social welfare and social capital and their subset dimensions respectively. The sample size in the survey was 2536.

On the basis of the research results, the counties of the Isfahan province have different situations in social welfare and social capital indices. The situation of the studied counties can be classified into seven categories. On the one hand, the county of Isfahan has the highest level from the viewpoint of social welfare, and the lowest level based on social capital criteria. On the other hand, the county of Daran has the highest rank from the viewpoint of social capital, and the lowest situation on the basis of social welfare measures.

Key Words: Development, Social Welfare, Social Capital, Balanced Development, Quality of Life, Participation, Isfahan Province

پدیرش جمعی، سازماندهی مناسب برای تحقق آن صورت می گیرد و در نهایت ایده و روش جدید در جامعه نهادینه می گردد. توسعه فرآیندی هدفمند بوده و با مقصد و منظور همراه است. از نقطه ای شروع می شود و مسیری را می پیماید و به نقطه ای ختم می گردد.

توسعه، نوسازی و برنامه ریزی آن در کشورهای غیرصنعتی در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه اندیشمندان، سیاستگذاران و برنامه ریزان حوزه های

مقدمه:

جامعه مدام در حال تغییر بوده و توسعه یکی از گونه های تغییر است. توسعه خودبخود و اتفاقی رخ نمی دهد، بلکه تغییری از پیش اندیشیده شده و آگاهانه است. توسعه خواسته ای است که با انباشت انرژی و اشتیاق جامعه به منظور رفتن به سطح بالاتر همراه می باشد. بنحوی که در فرآیند توسعه در وهله نخست ایده های جدید، شیوه های نو و ابتکاری توسط پیشگامان جامعه مطرح شده و در مرتبه بعد در صورت

همه مفاهیم در صدد بودند تا تغییراتی که در جامعه اتفاق می‌افتد را توضیح داده و بتوانند علل پیدایش، چگونگی مراحل رشد و مکانیزمهای این تغییرات را تبیین نمایند. مفهوم توسعه از جمله مفاهیم جدید است برای توضیح تغییرات در جامعه مدرن مورد استفاده قرار گرفت. که طرح این مفهوم به اوایل قرن بیستم بر می‌گردد.

واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه نوسازی لفاف همان جامعه سنتی، فرهنگ و ارزشهای مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند (ازکیا، 1380: 7).

سابقه مباحث توسعه به عنوان یک موضوع مشخص به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. (مایرو سیرز، 1368: 9 و 14). اگرچه در تاریخ نظریه های توسعه، برخی از اندیشمندان ریشه‌های آن را در اوایل قرن بیستم و حتی قرن نوزدهم ردیابی می‌کنند (قره باغیان، 1383: 10). نظریات توسعه در این دوره در قالب توسعه اقتصادی و نوسازی¹ پدیدار شده است.

بعد از جنگ جهانی دوم و استقلال مستعمرات قدیم از جوامع اروپایی، مجموعه ای از نظریه ها با هدف مشخص کردن مسیر رشد و توسعه جوامع آزاد شده از قیود استعماری از درون علم اقتصاد سر بر می‌آورد. صرف نظر از ریشه های تاریخی - اقتصادی این طرح های نظری، در محتوای این طرح ها، بیشتر، از مفاهیم علم اقتصاد استفاده شده است. در نتیجه توسعه واقعی اقتصادی تلقی می‌گردد و با واژگان اقتصادی تعریف می‌شود (تودارو، 1364:

اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و سیاست واقع شده است. وجه غالب شروع برنامه های توسعه و نوسازی در جهان سوم در بعد اقتصادی متمرکز بوده است (تودارو، 1364). افزایش تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه و نرخ رشد اقتصادی در جامعه هدف اصلی نخستین برنامه - های توسعه بوده است. با اجرای برنامه های توسعه و ناکامی برخی از کشورها در دستیابی به توسعه و همچنین بروز پیامدهای منفی اجرای توسعه اقتصاد محور و فن سالارانه پیامدهای منفی نظیر ناپایداری، افزایش شکافهای اقتصادی - اجتماعی و نابرابری قشرهای مختلف اجتماعی در بهره برداری از امتیازات، کم توجهی به جامعیت مفهوم توسعه موجب گردید که فرآیند توسعه اقتصاد محور مورد نقد قرار گیرد. به همین دلیل دیگر ابعاد توسعه نظیر توسعه اجتماعی و فرهنگی مورد عنایت واقع شود.

توجه به شاخص های مادی در برنامه های کلان توسعه، در برابر کم توجهی به شاخص های فرامادی هرچند می‌تواند رفاه زندگی افراد انسانی را بهبود بخشد اما لزوماً به افزایش سرمایه های اجتماعی در یک نظام اجتماعی نخواهد شد چنین وضعیتی را می‌توان یک توسعه نامتوازن یا ناهماهنگ نامید. چنین به نظر می‌رسد که در جامعه آماری مورد مطالعه وضعیت مذکور قابل مشاهده است.

مبانی نظری موضوع

1- تعریف مفهومی توسعه

با نگاه اجمالی به متون تاریخی، اجتماعی و فلسفی در گذشته های دور، شاهد کاربرد مفهومی چون ترقی، پیشرفت، تکامل و تطور اجتماعی بوده ایم.

¹ - Modernization

نیست. همانطور که فوکویاما¹ می گوید این اصول عمیق اخلاقی و ارزش های سستی است که می تواند زیربنای فکری و روحی - روانی لازم جهت همکاری میان افراد جهت نیل به توسعه را فراهم سازد (فوکویاما 1999).

تعریفی که فقط به رشد اقتصادی² توجه می کند، به نحوه توزیع درآمد توجهی نمی نماید و به شکاف های عمیق طبقاتی و فقر گسترده که می تواند محصول توسعه صنعتی³ و رشد اقتصادی باشد وقعی نمی نهد.

تعریفی که مشارکت آگاهانه مردم را به عنوان هسته اصلی مفهوم توسعه پذیرفته در پی آن است که حرکت رو به جلوی جامعه را چند بُعدی پنداشته و بر درون زا بودن توسعه تأکید نماید. برخلاف تعریف نخستین که نگاهی تک خطی به موضوع داشته و به نظر می رسد برخی کشورهای غربی که لفظ «توسعه یافته» بر آنها اطلاق می شود را در جایگاه مطلوبی می داند که می بایست سایر جوامع به آن سمت حرکت نمایند، رویکرد مشارکت محور به زمینه های فرهنگی و اجتماعی بیشتر توجه می کند و اشخاص آگاه را عامل گزینش و تعیین کننده مسیر توسعه می داند و برخلاف تعریف دوم که فقط رشد و توسعه اقتصادی را مد نظر دارد، این تعریف «انسان محور» است.

(133). در این دیدگاه، توسعه معادل با «رشد درآمد براساس سرانه قیمت های واقعی» و «افزایش سریع و مستمر تولید ملی» تعریف می شود و تحقق آن در گرو «انباشت سرمایه» و پیشرفت تکنولوژیکی (صنعتی کردن) است (تودارو، 1364، قره باغیان، 1383).

از توسعه تعاریف متعدد دیگری توسط اندیشمندان مطرح شده است.

با مرور تعاریف مطرح شده توسط هریک از صاحب نظران، ملاحظه می شود که آنان در تعریف خود بر جنبه ای خاص تأکید کرده اند. پس از مقایسه تعاریف های ارائه شده با یکدیگر و طبقه بندی آنها برحسب رویکرد اساسی آنها در تعریف «توسعه»، در نهایت، تعاریف ارائه شده در 10 مقوله، طبقه بندی شده که در جدول شماره 1 آمده است.

همانطور که از جدول (1) مستفاد می شود، صاحب نظران مختلف کوشیده اند تا شیوه های نیل به «وضعیت مطلوب» را نشان دهند. با مقایسه تعاریف مختلف و بررسی کاستی ها و نقاط قوت آنها به نظر می رسد تعریفی که «افزایش مشارکت آگاهانه و فعال مردم» را رویکرد اساسی تعریف خود قرار می دهد و وضعیت مطلوب را حول محوری می داند که افرادی آگاه و مشارکت جو در جامعه زندگی کنند، بر دیگر تعاریف ارجح می باشد. تعریفی که گذار از وضعیت سستی به مدرن را توسعه قلمداد می کند، نوعی اعتقاد به وجود تقابل میان سنت و مدرنیته نهفته است و این در صورتی است که در بسیاری از زمینه ها این تقابل غیرواقعی بوده* و یا شدت آن به میزان مطرح شده

¹ - Fukuyama

² - Economic Growth

³ - Industrial Development

البته برخی تقابل های جدی نیز وجود دارد اما در همه

زمینه ها نیست.

جدول 1- رویکردهای تعریف توسعه در دیدگاه صاحب نظران

صاحب‌نظر	محور تعریف	ردیف
ازکیا (1380)، عظیمی (1371)	گذار از یک وضع به وضعی دیگر (ستی به مدرن)	1
تودارو (1364)، روستو (1953)، یونسکو (1376)، برگر (به نقل از آزاد ارمکی 1379)	رشد اقتصادی (و توسعه صنعتی)	2
آمارتیا سن (1382)، تودارو (1364)، ازکیا (1365)	برابری بیشتر و رفع تبعیض (عدالت)	3
یونسکو (1376)، برنشتاین (1380)، بروگفیلد (1977)	زندگی بهتر و راحت تر	4
تودارو (1364)، اکبری (1379)، شریعتی (به نقل از راد 1382)، فیروزراد (1382)	تعالی فرد و جامعه	5
تودارو (1364)، دیاکیت (1371)، دونالدسون (به نقل از دینی 1370) میسرا (به نقل از ازکیا، 1367)	تغییر در ساخت اجتماعی	6
ژاکوبودیگران (1997)، هانتینگتون (1370)، عبداللهی (1372)	مدیریت بهتر منابع (انسانی و فیزیکی)	7
شومپتر (1976)	تغییرات خودبخودی و مداوم در کشورهای در حال توسعه	8
هابرماس (1384)، آربن پور (1377)	افزایش سطح آگاهی انسان و توسعه توانایی ها و قابلیت های وی	9
عبداللهی (1372)، ازکیا (1365)	افزایش مشارکت آگاهانه مردم	10

اما سایر تعاریف که رفتن به سمت برابری بیشتر و رفع تبعیض و برخورداری افراد جامعه از زندگی بهتر و راحت تر و تعالی فرد و جامعه را به عنوان «وضعیت مطلوب» و هدف توسعه می دانند اگر چه بر نکات بنیادی تأکید دارند، لیکن مزیت تعریف «مشارکت آگاهانه مردم» بر آنها در این است که ساز و کار نیل به توسعه که در آن تعاریف، مبهم و نامفهوم است را مشخص می نماید که همان «مشارکت آگاهانه و فعال مردم» می باشد و نه فقط تأکید بر برنامه های توسعه ای دولت محور که در آنها تصمیمات از بالا به پایین اخذ می شود و در قالب دستورالعمل های دولتی و برنامه های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت به اجرا گذارده می شوند. در عین حال که باید بر این نکته تأکید کرد که «آگاهی» و «مشارکت» مردم دو مؤلفه

مهمی هستند که به جامعه این امکان را می دهد تا با کمترین هزینه و زمان ممکن به سمت برابری بیشتر حرکت کرده، زندگی بهتر و راحت تری برای افراد فراهم نماید و تعالی فرد و جامعه را در پی داشته باشد. همچنین ناکافی بودن منابع دولتی و ضرورت استمرار برنامه های توسعه و در کنار آن حفاظت از سرمایه گذاری های انجام شده لزوم توجه به مشارکت مردم در فرایند توسعه را امری اجتناب ناپذیر ساخته است. یکی دیگر از تعاریف، تغییر در ساخت اجتماعی¹ را مبنا قرار می دهد. مشکل این تعریف نامشخص بودن نقطه عزیمت، مسیر حرکت و ابزار و لوازم مورد نیاز توسعه است و بسیاری از ایرادات وارد شده بر تعریف

¹ - Social Structure

تأکید دارد، در دل تعریف «افزایش مشارکت آگاهانه مردم» قرار می‌گیرد و زیربنای آن به شمار می‌رود. هابرماس که تحت تأثیر وبر مفهوم خرد و تحت تأثیر مارکس، مفهوم عدالت را به عنوان لوازم توسعه مطرح می‌نماید در پی آن است که انسان‌هایی را در جامعه تربیت کند که با اندیشه‌ای آزاد به صورت آگاهانه به برقراری ارتباط با یکدیگر بپردازند و در این کنش ارتباطی در نهایت «تعالی انسان» حاصل شود. (هابرماس، به نقل از جمشیدیان و همکاران، 1380)

همانگونه که آربلاستر¹ درباره «دموکراسی» می‌گوید، توسعه نیز پیش از آنکه یک واقعیت باشد، یک مفهوم است و از این رو هیچ معنای مورد توافقی نداشته و در طول دوره‌های مختلف تاریخی که مورد استفاده قرار گرفته معانی بسیار متفاوت داشته است و امروزه در بستر نظام‌های اجتماعی و اقتصادی گوناگون، به گونه‌های متفاوتی درک می‌شود (آربلاستر، 1379: 14) همین درک‌های متفاوت باعث شده که تعاریفی که بدانها اشاره نمودیم تفاوت زیادی با یکدیگر داشته باشد. لیکن چیزی که در همه آنها مشترک است «رسیدن به وضعیتی مطلوب» می‌باشد.

در مجموع توسعه را می‌توان نوعی فرآیند مشارکت مردمی عام گرا دانست که در جهت به حداکثر رساندن انرژی به منظور پاسخگویی به نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی مردم با هدف دستیابی به رفاه و عدالت اجتماعی سازماندهی می‌شود. شرط لازم توسعه وجود مازاد انرژی در جامعه، طرح ایده‌ها و شیوه‌های نو توسط مبتکران، وجود اشتیاق جمعی به منظور رفتن به سطح بالاتر و سازماندهی است.

براساس تعریف پیشنهاد شده توسعه یک فرآیند است، لذا فراتر از روش و برنامه تلقی می‌شود. توسعه

اول که گذر از وضعیت سنتی به مدرن را مد نظر داشت، بر این تعریف نیز وارد است.

«مدیریت بهتر منابع» که محور تعاریف دیگر است نیز به شرطی قابل اعتنا است که به مسایل انسانی و عدالت اجتماعی نیز توجه نماید. بهتر است این رویکرد در دل بحث مشارکت آگاهانه مردم، به معنی تلاش برای جهت‌دهی و تسهیل امر مشارکت مردم مد نظر قرار گرفته و درک شود. به نظر می‌رسد که تعریف هانتینگتون با همه جذابیت و قوتی که دارد به انسان واقتضایات وی و نیز به حوزه اخلاق که رابطه تنگاتنگی با توسعه مطلوب دارد کمتر توجه می‌کند و بیشتر تعریفی سیاسی است تا جامعه‌شناختی.

تعریف شومپتیر که تغییرات خودبخودی و مداوم در کشورهای در حال توسعه را به عنوان توسعه قلمداد می‌کند از دو ایراد اساسی رنج می‌برد: یکی اینکه، توسعه خود بخودی و اتفاقی نیست. توسعه محصول سرمایه‌گذاری آگاهانه افراد جامعه و کنش‌های هدفمند بازیگران اصلی حوزه سیاست، اجتماع اقتصاد و فرهنگ است که مسیر توسعه و کندی و تندی آن را مشخص می‌نمایند. دیگر اینکه این تعریف نیز چند کشور را به معنای الگوی توسعه یافته مد نظر دارد و بر این باور است که همه کشورهای مختلف به صورت طبیعی (و با یک حرکت تکاملی) به صورت خودبخودی به آن سمت می‌روند درحالی‌که تجربه کشورهای مختلف از جمله کشورهای آسیایی جنوب شرقی آن را نفی می‌کند و مسیر حرکت این کشورها با آنچه که اروپا و آمریکا آن را پشت سر گذاشته‌اند کاملاً متفاوت است.

آخرین تعریفی که مبنای آن را می‌توان در آرای هابرماس جستجو کرد و بر بالابردن آگاهی‌های افراد و افزایش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آنان و گسترش حوزه دانایی و تقویت قوه درک افراد

¹ - Anthony Arblaster

برابری اجتماعی است. نمودار زیر چگونگی ارتباط موضوع را نشان می دهد.

2- سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم مدرن است که در گفتمان علوم اجتماعی و محافل سیاسی معاصر در سطوح مختلف استفاده شده است. در کلی ترین سطح، سرمایه اجتماعی بیانگر توصیف ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسایل عمومی را افزایش می دهد. سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم بحث انگیز و جنجالی است که در حوزه توسعه مطرح شده است. در کشورهای توسعه یافته که روابط اجتماعی آنان بر فرهنگ فردگرایانه بنا شده است، مفهوم سرمایه اجتماعی جزو مفاهیم کلیدی است. در کشورهای توسعه نیافته این مفهوم در حال حاضر به سرعت به ابزار تحلیلی در پژوهش های جدید توسعه اقتصادی و اجتماعی تبدیل می شود. در شرایطی که سرمایه اجتماعی یعنی توانایی استفاده جمعی و توأم با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد بعید است که تنها سرمایه مالی و افزایش سرمایه انسانی (از طریق آموزش) بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی و کاهش فقر یا مشارکت بیشتر و پاسخگویی نهادهای عمومی منجر شود (تاجبخش، 1384: 10).

از دیرباز واژه سرمایه اجتماعی در علوم اجتماعی بکار می رفته اما سابقه این اصطلاح به معنایی که امروزه به کار می رود به حدود 90 سال پیش و در نوشته های لیدا جی. هانیفان¹، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا بر می گردد. او در توضیح

نوعی فرآیند است که در پیوستار زمان رخ می دهد، لذا از نقطه ای شروع شده و برای تحقق اهداف و آرمانها، ناچار مسیرها یا مراحل باید به تدریج پشت سر گذاشته شود. موضوع توسعه انسانها و مردم هستند. کارگزاران و رهروان توسعه انسانی هایی هستند که در چارچوب شرایط تاریخی، فرهنگی و قلمرو سیاسی «ملت» را تشکیل می دهند. دسترسی عادلانه به فرصت ها در ابعاد متعدد و برقراری عدالت در بهره مندی از امکانات و منابع از اهداف اصلی توسعه می باشد. توسعه به مثابه آزادی است آزادی از قیود و رهایی از شرایط نامناسب و تبعیضات که موجب می شود انسان در فرآیند تأمین نیاز استعدادهای آدمی شکوفا نشود. توسعه در این معنا فراهم کردن بسترهای مناسب جهت افزایش قدرت انتخاب انسانی می باشد. توسعه یعنی گسترش ظرفیت های انسانی در دستیابی به امکانات اساسی، آموزش، بهداشت، اشتغال و..... افزایش توانمندیها و مهارت های انسانی و به بیان کلی تر بهبود کیفیت زندگی و افزایش رفاه اجتماعی است.

توسعه برای مردم یعنی اطمینان از این که نتایج و محصولات رشد اقتصادی متعلق به اقشار مختلف مردم است. به نحوی که منابع و منافع توسعه باید عادلانه تقسیم شود و توسعه توسط مردم یعنی مهیا کردن زمینه های مشارکت مردم و افزایش تعاملات مبتنی بر اعتماد و متکی بر روابط انسانی و به بیان دیگر توسعه یعنی افزایش سرمایه اجتماعی در عین دسترسی بیشتر و آسان تر به امکانات زندگی، کالاها و خدمات است.

در مجموع می توان گفت توسعه دارای الزامات خاص خود می باشد. توجه به رشد اقتصادی با هدف افزایش رفاه از جمله پیش نیازهای لازم توسعه می باشد. نتیجه مهم توسعه متوازن، رفاه اجتماعی و

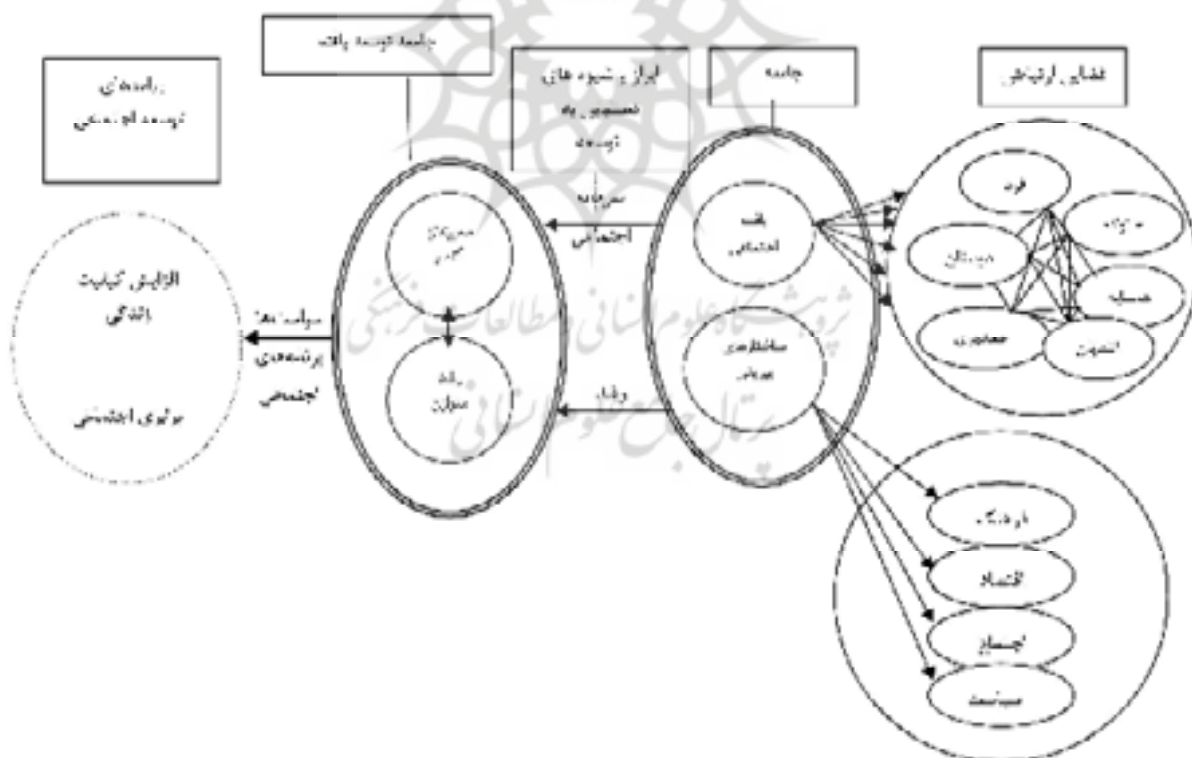
¹ -Lyda J. Hanifan

اهمیت مشارکت والدین در تقویت بازدهی کار مدرسه، مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرد. بعد از هانیفان، اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه مورد توجه قرار نگرفت، ولی در 1956 میلادی سیلی¹، سیم² و لوزلی³ جامعه شناسان شهری کانادا و در سال 1961 یکی از صاحب نظران نظریه مبادله به نام هومانز⁴، و جاکوبز⁵ که یک استاد مسایل شهری بود و در سال 1979 اقتصاددانی به نام لوری⁶ آن را دوباره احیا کردند (ولکاک و نارایان، 2000).

در اواخر دهه 1970 و اوایل دهه 1980 پیروردیو⁷ جامعه شناس فرانسوی، اصطلاح سرمایه اجتماعی را مترادف با کمیت و کیفیت روابط اجتماعی که در تملک یک فرد است در نظر گرفت. وی با

نگاهی تضاد گرایانه بر این باور بود که اقشار بالای جامعه از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند و همواره سعی در باز تولید آن برای نسل های بعدی دارند. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که حاصل از شبکه های با دوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل- یا به بیان دیگر برابر با عضویت در یک گروه است. شبکه های که هریک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می کند و آنان را مستحق «اعتبار» می سازد. این روابط ممکن است فقط در حالت عملی در مبادلات مادی و یا نمادینی که آنان را در حفظ آن روابط کمک می کند وجود داشته باشد (بوردیو، 1986).

شکل (۱) مفهوم توسعه زمینه ها، شیوه ها و پیامدهای تحقق آن



پس از طرح آرای بوردیو می توان به نظریه جیمز کلن⁸ اشاره کرد. کلن در اواخر دهه 1980 و اوایل

1 - Seely
2 - Sim
3 - Loosely
4 - Homans
5 - Jacobs
6 - Loury
7 - Pierre Bourdieu

8 - James S. Coleman

دهه 1990 به موضوع سرمایه اجتماعی می پردازد و آنرا به صورت جدی وارد مباحث آکادمیک می سازد. به نظر وی سرمایه اجتماعی را می بایست با کارکرداش تعریف کرد. کارکردی که بوسیله سرمایه اجتماعی مشخص می شود ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنشگران به عنوان منابعی جهت تحقق اهداف و علایقشان از آنها استفاده کنند. کلمن در این تعریف به دو ویژگی سرمایه اجتماعی اشاره می کند: یکی اینکه سرمایه اجتماعی جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است و دیگر اینکه، کنش های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می کند (کلمن، 1377: 462-262).

یکی دیگر از تأثیر گذارترین نظریه پردازان سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام است. وی سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می کند: «سرمایه اجتماعی، جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه های اجتماعی و اعتماد متقابل است که همیاری و هماهنگی افراد را جهت دستیابی به منافع مشترک تسهیل می نماید (پاتنام، 1995). در حقیقت پاتنام با کنار نهادن نگاه فرد محور کلمن و بوردیو، مفهوم سرمایه اجتماعی را در سطح ملی مطرح نمود و پایه تحلیل خود را بر فرهنگ و آن هم فرهنگ مشارکت مدنی استوار کرد.

جدول 2- چهار رویکرد مطالعاتی موجود در باب سرمایه اجتماعی

راهکارها	فعالان	دیدگاه
«کوچک زیباست» شناسایی و قبول سرمایه اجتماعی فقرا	گروه های اجتماعی سازمان های داوطلبانه	اجتماع گرایی تشکل های محلی
تمرکززدایی ایجاد مناطق آزاد اقتصادی پل زدن بین شکاف اجتماعی	بازرگانان گروه های کسب و کاری واسطه های اطلاعاتی	شبکه‌ای رابطه‌های اجتماعی و درون گروهی و بین گروهی
اعطای آزادی های مدنی و سیاسی شفافیت، حسابدهی و مسؤلیت پذیری	بخش های خصوصی و دولتی گروه‌های اجتماعی، جامعه مدنی	نهادی نهادهای سیاسی و قانونی
تولید مشترک، مکمل بودن مشارکت، پیوند و اتصال ها تقویت ظرفیت و مقیاس سازمان های محلی	بنگاه‌ها و دولت	همیاری شبکه های اجتماعی و روابط دولت با جامعه

(ولکاک و نارایان 2000)

همکاری و کنش جمعی است. شبکه های مشارکت مدنی تجسم همکاری های موفقیت آمیز گذشته هستند که می تواند همچون الگوهای فرهنگی برای همکارهای آتی عمل کند (پاتنام: 1996). ولکاک با مرور تحقیقات صورت گرفته بر روی سرمایه اجتماعی همه آنها را در چهار رویکرد که در جدول زیر آمده، طبقه بندی می کند.

از نظر پاتنام شبکه های مشارکت مدنی و هنجارهای مستحکم در جامعه رابطه متقابل بین افراد را تقویت می کند. فرد کاری را برای فرد دیگر انجام می دهد به این امید که در زمان دیگر آن را جبران کند. این شبکه‌ها همکاری و ارتباط را تسهیل می کنند و اطلاعات موجود درباره اعتماد پذیری افراد دیگر را تقویت می نمایند. همگروهی مؤثرترین ابزار برای حفظ

تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می شود (همان: 38).

به لحاظ مفهومی در بحث رفاه اجتماعی می توان آن را از دو جنبه مورد توجه قرار داد:

الف) مفهوم عام رفاه اجتماعی: از مفهوم رفاه اجتماعی در این سطح با عناوینی نظیر «خدمات اجتماعی»، «حقوق عمومی»، «حقوق ملت» و «حقوق اساسی مردم» یاد می شود که مراد از آن توجه به کلیه افراد جامعه، صرف نظر از ویژگی‌های جسمانی و روانی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آنهاست. این بخش از برنامه های رفاه اجتماعی، معمولاً تحت عنوان حقوق ملت در قوانین اساسی کشورهای مختلف جای می گیرد.

ب) مفهوم خاص رفاه اجتماعی: رفاه اجتماعی به مفهوم خاص آن شامل گروه‌های ویژه اجتماعی است. منظور از گروه های ویژه اجتماعی، قشرهایی از جامعه هستند که به دلیل ویژگی های خاص جسمی، روحی، شخصیتی، عاطفی و یا اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی دارای وضعیت متفاوت از بقیه جامعه هستند بنحوی که باید مورد توجه ویژه برنامه ریزان و کارگزاران رفاه اجتماعی قرار گیرند. در این رویکرد «رفاه اجتماعی عبارت است از مجموعه سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مدنی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارایه می شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد».

تعریف فوق نشان می دهد، برنامه‌ها و سیاست های مختلف رفاهی از قوانین و مقرراتی ریشه می گیرد که چارچوب آن توسط قوه مقننه (در قالب قانون) و یا قوه مجریه (در قالب آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی) و با توجه به سیاست های عمومی دولت و نیازهای اساسی جامعه تنظیم و ترسیم می شود.

در ثانی مجری برنامه‌ها و تدابیر رفاهی - اجتماعی، نه فقط مؤسسات رفاهی مربوط به دولت نیستند بلکه نهادهای اجتماعی با هدایت و حمایت دولت، نقش

با نگاهی گذرا به جوامعی که از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند، ملاحظه می شود که مردم آن کشورها از ویژگی های زیر برخوردارند (بولن و اونیکس، 1999):

- افراد احساس می کنند که جزیی از جامعه هستند.
- آنها احساس خواهند کرد که افراد سودمندی هستند و می توانند یک کمک واقعی به جامعه بنمایند.
- در شبکه های اجتماعات محلی و در سازمانها مشارکت فعالانه‌ای خواهند داشت.
- در سیلها و آتش سوزیها (حوادث طبیعی) به خاطر منفعت عمومی و خیر مشترک به یکدیگر کمک خواهند کرد.
- بچه‌های دیگران را نیز به مانند بچه‌های خود می دانند و نسبت به آنها احساس مسؤولیت دارند.
- در خانه و محیط همسایگی احساس امنیت و اطمینان می کنند.
- غریبه‌ها را به خوبی در خود می پذیرند.
- هرکس هر کاری را انجام نمی دهد (چون ممکن است مضر به حال جامعه‌ای باشد که او در آنها زندگی می کند) بلکه سعی می کند در برخی امور به دیگران کمک کند.
- شبکه های مبتنی بر روابط متقابل زیادی ایجاد خواهد شد.
- مردم نسبت به آنچه که هستند و دارند احساس ارزشمندی می کنند.

3- مفهوم رفاه اجتماعی

«رفاه اجتماعی» تعبیری است که بیشتر به یک وضعیت چند جانبه - اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف است و حفظ شأن انسانها و مسؤولیت پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عرصه های فردی و جمعی از اهداف اساسی آن است» (یزدانی، 1382: 31).

از نظر سازمان ملل متحد رفاه اجتماعی عبارت است از دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که

که چرا دخالت دولت در برنامه‌های رفاهی، در قرن 20 میلادی به میزان زیادی، افزایش یافته است (میجلی، 1378: 120).

2-3- نظریه های رفاه

رویکردها و نظریه‌های مربوط به رفاه، مطابق تقسیم بندی عام در جامعه شناسی، بیشتر به دو نوع نگرش «جمع گرایانه» و «فرد گرایانه» قابل تقسیم است؛ که به تبع آن، راه‌حلهایی نیز حول آنها شکل گرفته است. طرفداران رویکرد فردگرایانه بر این باورند که پیشرفت‌های رفاهی فقط تابع نظام بازار بوده و از طریق مکانیزم تولید محصولات و کالاهای مورد استفاده عموم که مورد نظر افراد می باشد، امکان پذیر می‌گردد، طرفداران رویکرد جمع گرایانه کسانی هستند که ضرورت‌های رفاهی را از بعد جمعی تعبیر و تفسیر می‌کنند. از دیدگاه اینان یک رشته ارزشهایی اجتماعی وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقا یابد. از این دیدگاه، پدیده‌های جمعی از لحاظ چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات باهم مقایسه می‌شوند و در آن ابزار و آلات رفاهی بر اساس عملکرد مربوط به بالابردن میزان کالاهای مادی بررسی می‌شوند.

با توجه به وجود دو نوع رویکرد فرد گرایانه و جمع گرایانه، در رفاه اجتماعی طبقه بندی‌ای که توسط لبوکس و ویلنسکی² از نظریه‌های مربوط به نظام‌های رفاهی ارائه شده است که اولی به عنوان مفهوم «رسوبی» یا «ترمیمی» شناخته می‌شود که بر طبق آن، مؤسسات تأمین اجتماعی در هنگام بهم خوردن وضعیت منابع خانواده‌ها و نیز پس از وقوع فقر و ناتوانی، وارد عرصه فعالیت شوند و در این راستا نیز خود افراد در درجه اول مسؤولیت قرار دارند. نگرش دوم که مورد تأکید جمع‌گرایان است، عبارت است از نظریه نهادی³ که در این رویکرد دولت وظیفه دارد رأساً و قبل از وقوع نابسامانی، برنامه‌ریزی و

مهم و ارزشمندی را در تأمین رفاه اجتماعی به عهده دارند. سوم هدف از این برنامه‌ها، تأمین سعادت انسان است و سعادت انسان در گرو تعالی و تکامل اوست و لذا تأمین نیازهای مادی و معنوی و برخورداری از برنامه‌های مختلف رفاه اجتماعی، زمینه و امکان چنین سعادت‌تی را برای بشر فراهم می‌آورد.

چون هدف رفاه اجتماعی متوجه انسانهاست یعنی غایت برنامه‌های رفاه اجتماعی، تأمین نیازهای مختلف انسانی و دادن آسایش، آرامش، امنیت و رضامندی به جامعه انسانی است، لذا این نیازها باید شناخته و تعریف شود و چون این نیازها در رابطه با انسان به عنوان مخلوق خاص مطرح می‌شود بنابراین برای شناخت نیازهای انسانی، ابتدا باید انسان را شناخت (زاهدی اصل، 1381: 31).

1-3- تحقیقات مربوط به رفاه اجتماعی

شروع تحقیقات بین‌المللی حرفه‌ای و سازماندهی شده در زمینه رفاه اجتماعی به قرن 19 میلادی برمی‌گردد، یعنی زمانی که مذهب‌یون، در اروپا و آمریکای شمالی، برای تبادل عقاید و تجربیات خود، ملاقاتهایی داشتند و این ملاقاتها منجر به ایجاد همکاریهای داوطلبانه در سطح بین‌المللی شد، از جمله در سال میلادی 1928 با هدف سازماندهی فعالیت‌های رفاهی بین‌المللی، شورایی به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد. فعالیت این سازمانها با خدمات سازمان‌های بین‌دولتی رسمی، مرتبط بود. اولین سازمان بین‌دولتی با موضوع اشتغال در سال 1919 میلادی، با هدف بهبود رفاه، اشتغال و وضعیت استخدامی، تأسیس گردید. اولین مطالعات آکادمیک در زمینه رفاه اجتماعی بین‌المللی، توصیفی بود؛ یکی از آنها که از اهمیت تاریخی قابل توجهی برخوردار است، مطالعه لوسی مایر¹ در زمینه رفاه اجتماعی در بریتانیا است که در سال 1944 انجام شده است. در اواخر دهه 1960 و اوایل 1970، مطالعات رفاه اجتماعی بین‌المللی به طور منظم شروع شد. تعدادی از این مطالعات سعی دارند توضیح دهند

²- Leabeav & wilensky

³-Institutional Theory

¹ - Lucie Mayer

خوب عمل کردن)، تأمین (امنیت درآمد، اشتغال و مسکن)، ترجیحات و نیازها، رهایی و مقایسه‌های نسبی» (پتريک، 1381: 20).

نمودار 2 نشان می‌دهد که نظریه‌های رفاه اجتماعی چگونه با یکدیگر ارتباط دارند. یک محور نمودار، رفاه اجتماعی را در قالب اخلاق/عدالت یا کارایی/صرفه جویی تعریف می‌کند، محور دیگر نشان می‌دهد که آیا مقایسه بین افراد از نظر سطح بهزیستی و رفاه امکان دارد یا خیر.

سیاستگذاری کند و تأمین اجتماعی را به عنوان اولین عملکرد در دستور کار دولت قرار دهد» (میجلی، 1378: 140).

اما شکست نظام بازار در سعادت‌مند کردن بشر، این گونه نظریه‌ها را دچار بحران کرد و نظریه‌های رفاه اجتماعی نوین که بیشتر نشأت گرفته از بررسی نارسایی‌های ادعا شده در مورد نظام بازار مبتنی بر فلسفه فردگرایی است، مطرح شد.

با توجه به رویکردهای نوین، که بر اساس مسؤولیت جامعه در قبال آحاد مردم بنا نهاده شده اند رفاه اجتماعی عبارت است از «شادکامی (خوب بودن و

نمودار 2- چهار چشم انداز در باب رفاه اجتماعی

مقایسه‌ها			
اخلاق و عدالت	بتنام	پیگو	کارایی و صرفه جویی
	راولز	پارتو	
غیرمقایسه‌ها			

مطالعه بالاتر از 0/7 و در برخی موارد بالاتر از 0/6) پرسشنامه نهایی توزیع گردید. حجم نمونه اولیه برای هر یک از شهرستانهای مورد مطالعه و تعداد پرسشنامه ای که در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفته است به شرح جدول (3) می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای بوده و سهمیه‌ها بر اساس سه متغیر سن، جنس و محل زندگی تعیین شده اند.

در نهایت 2536 پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشهای آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شده است. تحلیل عاملی مهمترین روش مورد استفاده به منظور تعریف عوامل مختلف مورد مطالعه بوده است. از تحلیل عاملی تاییدی بر پایه نمرات استاندارد استفاده شده است به نحوی که برای هر مورد¹ و در رابطه با

4- روش شناسی

پژوهش حاضر مبتنی بر دو روش پیمایش و تحلیل ثانویه است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک عامل متشکل از مولفه‌ها یا متغیرهای متعددی است. این عامل با استفاده از پیمایش میدانی مورد سنجش قرار گرفته است. رفاه اجتماعی نیز به عنوان عامل دیگر که از متغیرهای زیادی تشکیل شده با استفاده از اطلاعات سازمانها و مؤسسات مختلف اندازه‌گیری شده است.

در پیمایش انجام شده در سطح ده شهرستان مورد مطالعه، به منظور برآورد ضریب اعتبار و همچنین برآورد پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه برای تعیین حجم بهینه نمونه، نمونه‌های 60 نفری در هر یک از شهرستانها اخذ گردید. پس از تعیین ضریب اعتبار بخشهای مختلف پرسشنامه و اطمینان حاصل کردن از قابل قبول بودن نسبت اجزای مختلف ابزار طرح شده (ضرایب آلفای کرباخ برای بیشتر متغیرهای مورد

¹ - Case

باشد. به عنوان مثال متغیر برخورداری از تسهیلات برق در خانواده ها به دلیل پوشش وسیع و دسترسی نسبتاً کامل در همه نقاط شهرستان از شاخص دسترسی به امکانات زیر بنایی حذف شده است. دلیل حذف این متغیر و سایر متغیرها در شاخص های دیگر ناشی از مفروضات آماره های مورد استفاده است.

چون در روش تحلیل عاملی نمره رفاه اجتماعی دارای میانگین صفروانحراف معیار یک است، نمرات شاخص مثبت برای هر شهرستان حاکی از وضعیت مطلوب شهرستان در مقایسه با متوسط ده شهرستان مورد مطالعه و بر عکس نمرات شاخص منفی، وضعیت نامطلوب تر نسبت به حد وسط را نشان می دهد.

هر عامل یک نمره عامل محاسبه گردیده و کل نمرات نیز دارای میانگین صفر و انحراف معیار یک بوده اند. شیوه نمره گذاری متغیرهای مختلف به گونه ای بوده است که نمره عاملی بالاتر بیانگر وضعیت بهتر مورد مطالعه در آن عامل بوده است.

از بین 382 متغیری که اطلاعات آنها به تفکیک شهرستانها به رایانه منتقل گردید به صورت گزینشی متغیرهای مربوط به امکانات زیربنایی، خدمات بهداشتی و... انتخاب شدند. یکی از ملاکهای انتخاب متغیرها کامل بودن اطلاعات مربوط به متغیرها در شهرستانهای مورد مطالعه می باشد. ملاک دیگر گزینش متغیرهایی بوده است که به نحوی با شاخص مورد نظر مرتبط بوده و سوم در بین شهرستانها دارای پراکندگی

جدول 3- برآورد حجم بهینه نمونه برای هر یک از شهرستانهای مورد مطالعه و تعداد پرسشنامه تحلیل شده

ردیف	شهرستان	P ¹	Q	دقت احتمالی	برآورد حجم نمونه نهایی	تعداد پرسشنامه تحلیل شده
1	اصفهان	0/50	0/50	0/96	424	429
2	کاشان	0/77	0/23	%95	272	276
3	شهرضا	0/78	0/22	%95	264	260
4	خمینی شهر	0/80	0/20	%95	246	250
5	برخوار	0/82	0/18	%95	236	240
6	داران	0/83	0/17	%95	217	224
7	لنجان	0/82	0/18	%95	227	222
8	نابین	0/83	0/17	%95	217	216
9	گلپایگان	0/85	0/15	%95	196	212
10	سمیرم	0/85	0/15	%95	196	207
	مجموع	-	-	-	2495	2536

1- مقادیر P و Q بر اساس گروه بندی پاسخگویان در دو گروهی که توسعه اجتماعی شهر محل مطالعه را کم و بیش بالا یا پایین برآورد کرده اند انجام شده است. عوامل سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی در این مطالعه ابعادی از توسعه اجتماعی بوده اند.

1-4- شاخص سازی سرمایه اجتماعی

یکی از دشواری های موجود بر سر راه سنجش ((سرمایه اجتماعی))، فقدان روشی واحد جهت شاخص سازی مفهوم سرمایه اجتماعی است. اگر چه می توان گفت که بر روی ((اعتماد)) و ((مشارکت)) به عنوان شاخص های اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی اجماع وجود دارد، لیکن در تحقیقات مختلف شاخص-های متعددی و متفاوتی به کار برده شده است که نشان دهنده شروع پژوهش های میدانی مرتبط با سرمایه اجتماعی است.

در پژوهش حاضر برای رسیدن به شاخص هایی که متناسب با فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه ایرانی باشد، تحقیقات مختلفی که در دیگر کشورها صورت گرفته بود مرور گردید. از جمله تحقیقات مرور شده سنجش سرمایه اجتماعی در 5 منطقه استرالیا توسط بولن و اونیکس (1998)؛ پژوهش ریچارد رز در روسیه با عنوان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (1998)؛ شاخصهای ارایه شده توسط نارایان و دیپا (1999)؛ سنجش سرمایه اجتماعی در دو جنبه ساختی و شناختی آن در کشورهای هند و پاناما توسط کریشنا و شردر (2000)؛ پیمایش سرمایه اجتماعی بنچمارک که در سطح ملی و بسیار گسترده به مدیریت رابرت پاتنام صورت گرفته (2000)؛ شاخص های ارایه شده توسط مرکز آمار استرالیا (2003)؛ گروتایرت و دیگران (2005) و...

پس از مرور تحقیقات فوق و برخی پژوهش های نظری دیگر، در نهایت شاخص هایی از آنها گزینش شد و با افزودن شاخص جدیدی به مانند شاخص

((وساطت اجتماعی))، سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. شاخص های نهایی بکار گرفته شده به قرار جدول (4) می باشند.

در این مطالعه به منظور سنجش رفاه اجتماعی شش شاخص در نظر گرفته شده که به همراه معرف-هایشان در جدول (5) آمده است. بر اساس معرفهای هر شاخص فرعی یک عامل و برای مجموعه شش عامل فرعی نیز عامل اصلی رفاه اجتماعی بر اساس تحلیل عاملی تاییدی محاسبه شده است.

5- یافته های پژوهش

از بین شهرستانهای مورد مطالعه به لحاظ رفاه اجتماعی، شهرستان اصفهان از موقعیت ممتازی برخوردار است. سپس به ترتیب شهرستانهای اصفهان، کاشان، برخوار، نایین، لنجان، خمینی شهر، شهرضا، گلپایگان، داران و سمیرم در مرتبه دوم تا دهم قرار دارند.

جایگاه هر شهرستان در بین اجزای شاخص های رفاه اجتماعی (تسهیلات و امکانات، خدمات پزشکی و بهداشتی، پس انداز، دسترسی به خدمات آموزشی، تسهیلات فرهنگی، خدمات و امکانات ورزشی) دارای نوسان می باشد.

از نظر سرمایه اجتماعی به ترتیب شهرستانهای داران، نایین، لنجان، گلپایگان، شهرضا، کاشان، برخوار، سمیرم، خمینی شهر و اصفهان قرار گرفته اند.

جدول 4- شاخصهای در نظر گرفته شده برای سرمایه اجتماعی و معنای مفهومی آنها و ماخذ مورد استناد

ردیف	شاخص ها و معنای مفهومی آن	منبع
1	اعتماد و قابلیت اعتماد اعتماد: میزان اعتماد فرد به آشنایان (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکاران و همسایگان) اعتماد به غریبه ها و سازمانهای مختلف و نمایندگان حکومت (مدیران سازمانها و نمایندگان مجلس قابلیت اعتماد: میزان ریسک پذیری و قابل اعتماد دانستن محیط زندگی از نظر فرد (عدم یا وجود دزدی یا کلاهبرداری فرد)	بولن و اونیکس (1998)، کریشنا و شرور (2000)، پیمایش بنچمارک (2000) مرکز آمار استرالیا (2003)، گروتایرت و دیگران (2005)
2	مشارکت اجتماعی انواع مشارکت که هم برابر فرد رضایت به بار می آورد و هم عامل شکل دهی به روابط و سازنده شبکه های حمایتی بالقوه است. (مانند دیدار با دوستان و خویشاوندان) شرکت در مراسم شادی و ترحیم هم محله ای ها، رفتن به سینما، پارک، کوه و غیره به صورت دسته جمعی)	بولن و اونیکس (1998)، پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
3	مشارکت مدنی فعالیت هایی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، مدیریت باشگاهها و انجمن ها و نیز سازمانهای غیردولتی بوده و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروههای مختلف خود را نشان می دهد و تابع مقررات و سلسله مراتب است.	بولن و اونیکس (1998)، رز (1998)، پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)، گروتایرت و دیگران (2005)
4	همیاری هنجار همیاری، احساس درونی افراد جهت کمک به دیگران و به اجتماعی که در آن زندگی می کنند اشاره دارد و باعث ایجاد تعادل بین منافع فردی و منافع جمعی می شود (هنجار همیاری افراد را به سهم شدن در حمایت کردن از سایر افراد جامعه ترغیب می کند)	کریشنا و شرورد (2000)، پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
5	همکاری همکاری در محل جمعی مردم جهت دستیابی به نتیجه یا هدفی مشترک (از قبیل همکاری همسایه ها با یکدیگر جهت بهبود اوضاع محل، همکاری با مسئولین محلی و مشارکت داوطلبانه افراد در اجتماع)	کریشنا و شرورد (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)، گروتایرت و دیگران (2005)
6	ظرفیت پذیرش تفاوت ها (مدارا) اشاره به این که افراد تا چه حد هنجارها، سبک های زندگی و عقایدی که متفاوت از آنچه که خود دارند را مورد پذیرش قرار داده و به آن احترام می گذارند.	پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
7	احساس امنیت میزان احساس امنیت و آسودگی و آرامش مردم در خانه های خود و یا از قدم زدن در کوچه و خیابان های شهر در طول شبانه روز،	بولن و اونیکس (1998)، مرکز آمار استرالیا (2003)
8	حمایت اجتماعی (مالی و عاطفی) حمایت افراد از یکدیگر که به صورت مالی و عاطفی در زمان نیازمندی و یا به عنوان بخشی از حیات روزمره فراهم آمده باشد. (نظیر پول قرض دادن، گوش کردن به درد دل افراد).	پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
9	انسجام اجتماعی بهره مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروههایی که افراد در آنها عضویت داشته و یا در آنها مشارکت دارند.	کریشنا و شرورد (2000)، گروتایرت و دیگران (2005)
10	احساس اثر گذاری و کارایی درک و تصور افراد و اجتماعات از میزان توانایی تأثیر گذاری آنان در فعالیت ها و روندهای موجود در جامعه	پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
11	ارزش زندگی ارزش زندگی احساس رضایتمندی فرد از زندگی و با ارزش دانستن خود در جامعه و باور به این که جامعه نیز متقابلاً احترام لازم را به آنها می گذارد.	بولن و اونیکس (1998)، مرکز آمار استرالیا (2003)
12	وساطت اجتماعی حضور فعال فرد به عنوان میانجیگر در حل اختلافات و منازعات موجود میان آشنایان، همسایه ها، همکاران و یا همشهری ها	مؤلفین

جدول (5) معرفهای مورد استفاده برای شاخص سازی رفاه اجتماعی

شاخص های رفاه اجتماعی به همراه معرف هایشان	
<p>4- شاخص خدمات آموزشی</p> <p>پوشش تحصیلی دوره ابتدایی</p> <p>پوشش تحصیلی دختران در دوره ابتدایی</p> <p>پوشش تحصیلی دوره راهنمایی</p> <p>پوشش تحصیلی دختران دوره راهنمایی</p> <p>پوشش تحصیلی دوره متوسطه</p> <p>پوشش تحصیلی دختران دوره متوسطه</p> <p>نرخ ارتقای دختران در مقطع ابتدایی</p> <p>نرخ ارتقای کل دانش آموزان در دوره ابتدایی</p> <p>نرخ ارتقای دختران در دوره راهنمایی</p> <p>نرخ ارتقای کل دانش آموزان دوره راهنمایی</p> <p>نرخ عدم تکرار کل دوره ابتدایی</p> <p>نرخ عدم تکرار دختران دوره ابتدایی</p> <p>نرخ عدم تکرار کل دانش آموزان دوره راهنمایی</p> <p>نرخ عدم تکرار دانش آموزان دختر دوره راهنمایی</p> <p>گذر تحصیلی از دوره ابتدایی به اول راهنمایی</p> <p>گذر تحصیلی از راهنمایی به اول متوسطه</p>	<p>1- شاخص امکانات زیر بنایی</p> <p>درصد خانوارهای ساکن روستاهای بالای بیست خانوار</p> <p>درصد جمعیت شهری تحت پوشش شرکت آب و فاضلاب</p> <p>ضریب نفوذ تلفن</p> <p>راه به ازای هر کیلومتر مربع مساحت _ مترمربع</p> <p>راه به ازای جمعیت</p> <p>درصد خانوارهای روستایی دارای برق</p> <p>تعداد دفاتر پست و مخابرات روستایی (شاخص نسبی)</p> <p>سرانه مرسولات عادی و پست سفارشی</p>
<p>5- شاخص خدمات و امکانات ورزشی</p> <p>سرانه فضاهای ورزشی سر پوشیده بر حسب متر مربع</p> <p>سرانه فضاهای ورزشی روباز بر حسب متر مربع</p> <p>تعداد کانونهای ورزشی به ازای هر 10 هزار نفر جمعیت</p> <p>نسبت کانونهای ورزشی به ازای هر ده هزار نفر جمعیت</p> <p>دانش آموزی</p> <p>نسبت معلمان ورزش به دانش آموزان به ازای هر هزار نفر</p> <p>دانش آموز</p> <p>سرانه فضای ورزشی روباز دانش آموزان به سانتی متر مربع</p> <p>سرانه فضای ورزشی سرپوشیده دانش آموزان به سانتی متر مربع</p>	<p>2- شاخص خدمات بهداشتی</p> <p>نرخ مرگ و میر نوزادان زیر یک سال بر حسب هزار نفر</p> <p>نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال بر حسب هزار نفر</p> <p>در صد پوشش تنظیم خانواده در شهرستان</p> <p>در صد پوشش تنظیم خانواده در روستا</p> <p>نسبت جمعیت روستایی تحت پوشش خانه های بهداشت فعال</p> <p>تعداد تخت های بیمارستانی به ازای هر 10 هزار نفر</p>
<p>6- شاخص خدمات و تسهیلات فرهنگی</p> <p>نسبت مراجعه به کتابخانه های عمومی به جمعیت لازم</p> <p>التعلیم</p> <p>نسبت تماشاگران تئاتر به جمعیت</p> <p>نسبت گنجایش سالن های سینما به جمعیت</p> <p>نسبت تعداد اعضای کتابخانه های عمومی به جمعیت لازم</p> <p>التعلیم</p>	<p>3- شاخص سپرده های اقتصادی</p> <p>سرانه انواع سپرده ها نزد بانک ها به ریال</p> <p>عداد واحد های بانکی بر حسب یکصد هزار نفر جمعیت</p>

متناقض بودن داده های گزارش شده و یا به بیان فنی تردید در میزان اعتبار داده های ارایه شده توسط مراجع رسمی از عمده ترین محدودیت ها به شمار می رود . نظام برنامه ریزی متمرکز و قدرت ناکافی مسؤولان محلی این معضل را تشدید نموده است .

علاوه بر موضوع مذکور فقدان شاخص ها و معرف های معتبر نیز اندازه گیری مفهوم پیچیده برخورداری از خدمات رفاهی و امکانات زیربنایی محدودیت چنین مطالعاتی را مضاعف ساخته است . محدودیت های شمرده شده فقط شامل مطالعات محلی نبوده، بلکه مطالعات در سطح ملی را هم در بر گرفته و حتی مطالعات جهانی را نیز در نوردیده است . گذشت زمان و تجمیع تجربیات مطالعاتی و اصلاح نظام گردآوری داده های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این نقطه ضعف را مرتفع خواهد ساخت .

در پژوهش کنونی با اذعان به محدودیت های فوق تلاش شده است که معرف های معتبری جهت سنجش مفهوم خدمات رفاهی و دسترسی به امکانات زیر بنایی انتخاب شود. یافته های حاصل از این مطالعه در مجموع بیانگر آن است شهرستان اصفهان با فاصله قابل ملاحظه ای نسبت به شهرستان رتبه دوم یعنی کاشان قرار دارد. شهرستان کاشان نیز با فاصله زیادی از شهرستان بعد از خود یعنی برخوردار دارد. در پایین ترین مرتبه، شهرستانهای سمیرم و داران قرار دارند. جدول 6 جزئیات بیشتری از رتبه بندی را گزارش می دهد.

نمودار (2) ترسیم عینی تری از فاصله بین دو شاخص را نشان می دهد. اگر رفاه را بعنوان شاخص زندگی مطلوب تلقی کنیم و سرمایه اجتماعی را به عنوان معیار جامعه سالم به لحاظ روابط اجتماعی در نظر داشته باشیم فاصله این دو شاخص قابل تأمل است. با توجه به فاصله و شکاف این دو شاخص در فرآیند توسعه منطقه ای چاره ای جز اتخاذ سیاست اجتماعی افزایش تدریجی رفاه اجتماعی شهرستانها ضمن ارتقای سطح سرمایه اجتماعی نیست. در غیر

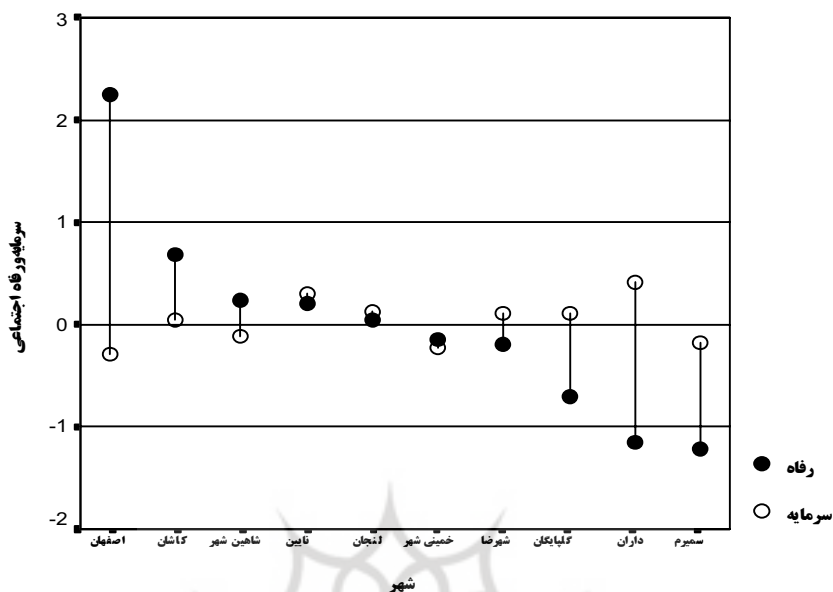
جایگاه هر شهرستان به لحاظ اجزای شاخص سرمایه اجتماعی متفاوت می باشد. به لحاظ شاخص همکاری به ترتیب شهرضا، گلپایگان، نایین، لنجان و داران از متوسط شهرهای مورد مطالعه بالاتر بوده و شهرهای کاشان، خمینی شهر، سمیرم، اصفهان و برخوار، دارای شاخص پایین تر از متوسط استان می باشند. نتایج دقیق تر در جداول شماره (6) و (7) برای هر یک از عوامل رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی و همچنین شاخص های فرعی سازنده آنها و رتبه هر شهرستان در این شاخص ها ارایه شده است.

در جداول مذکور، به منظور تعیین رتبه در میان شهرستان های مورد مطالعه، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده است و مجموعه نمرات عاملی استاندارد محاسبه گردیده است. این نمرات همانطور که در قسمت روش شناسی ذکر شد دارای میانگین صفر و انحراف معیار یک می باشند و مقدار عامل بالاتر، حاکی از وضعیت بهتر در شاخص مورد مطالعه است. بعنوان مثال در رابطه با شاخص دسترسی به خدمات آموزشی اصفهان با نمره عاملی 1/120 دارای بالاترین نمره و بنابراین رتبه اول و پس از آن برخوردار با نمره عاملی 0/679 در رتبه دوم و گلپایگان پس از کاشان (0/573) و لنجان (0/548) با نمره عاملی 0/448 در رتبه پنجم قرار گرفته است و به همین ترتیب تا داران که با نمره عاملی 1/988- دارای پایین ترین نمره عامل و بنابراین در رتبه دهم قرار گرفته است.

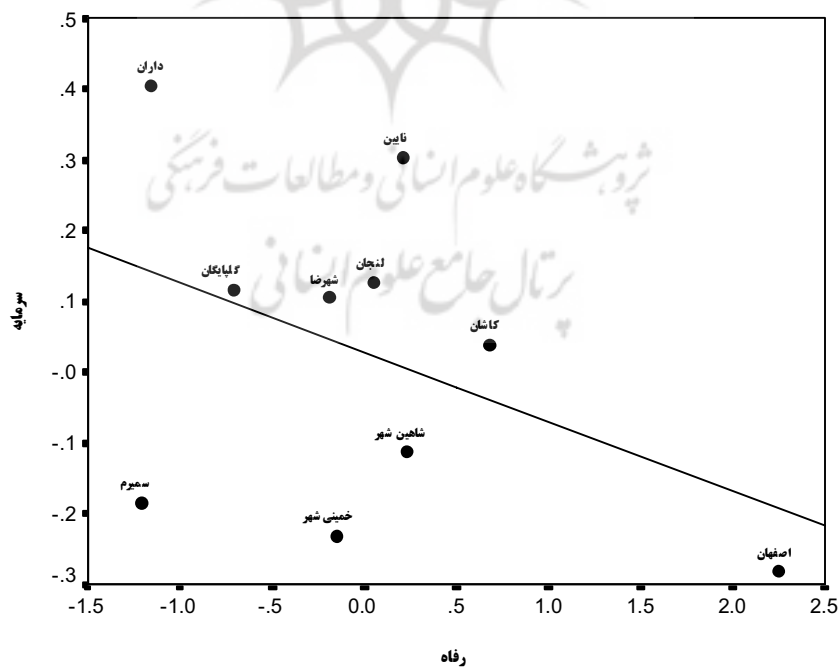
6- بحث و نتیجه گیری

رتبه بندی شهرستانها به لحاظ شاخص های رفاهی و دسترسی به امکانات زیر بنایی و تسهیلات که به نحوی در کیفیت زندگی نقش مؤثری دارند با محدودیت های جدی مواجه است. فقدان آمار یا ناکامل بودن آن در متغیرهایی که بتواند کیفیت زندگی را اندازه گیری کند از عمده ترین محدودیت های این چنین مطالعاتی می باشد. این نقص هنگامی تشدید می شود که واحد مطالعه شهرستان باشد. فقدان نظام جامع اطلاعاتی مبتنی بر برنامه ریزی منطقه ای و محلی و

این صورت هزینه های دستیابی به رفاه افزایش می یابد و فرآیند توسعه با تعارض مواجه می شود. نمودار شماره (2) این تعارض را نشان می دهد.



نمودار 3- فاصله رفاه و سرمایه اجتماعی در هر یک از شهرستانهای مورد مطالعه



نمودار 4 - رابطه منفی بین دو عامل رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی در شهرستانهای مورد مطالعه

مختلف آمریکا بررسی شده است براساس یافته های این پژوهش مذکور نابرابری بیشتر به کاهش مشارکت در فضای عمومی و افزایش بی اعتمادی منجر شده و در نتیجه سرمایه اجتماعی کاهش می یابد. عکس این موقعیت برای شهرستان داران وجود دارد. به لحاظ رفاه این شهرستان دارای رتبه پایین و به لحاظ سرمایه اجتماعی دارای رتبه اول است.¹ ماتریس زیر موقعیت شهرستانهای مورد مطالعه را نشان می دهد. وضعیت معکوس داران در این باره نیز قابل توجه است.² ماتریس فوق نشان دهنده آن است در ارتباط بین دو شاخص در شهرستان های مورد مطالعه، 7 حالت را می توان از یکدیگر تفکیک کرد. مطلوب ترین گزینه رفاه بالا - سرمایه اجتماعی بالا است که از بین ده

ضریب همبستگی اسپیرمن بین سرمایه و رفاه اجتماعی برابر با 0/42- نشان از همبستگی معکوس دو شاخص است. اگر ضریب تعیین 0/16 باشد. بقیه واریانس ها تابع چه عواملی است؟ توسعه یافتگی و برنامه های توسعه تا چه حد از تبیین این موضوع برمی آید؟ در برابر این شرایط چه باید کرد؟ آیا باید از خدمات رفاه اجتماعی کاست یا سرعت آن را کند نمود؟ یا پروژه توسعه را مورد بازنگری قرار داد و آن را متوازن تر و عادلانه تر نمود، یا اینکه سرمایه اجتماعی و نقش مردم در برنامه های توسعه را افزایش داد. آیا این موضوع (بالا بودن رفاه و پایین بودن سرمایه اجتماعی) در بعضی از شهرستانها بیانگر این مطلب است که در نظام برنامه ریزی و اجرایی توسعه اجتماعی از هماهنگی لازم با توسعه اقتصادی در جامعه برخوردار نیست.

منحنی پراکنش دو شاخص مذکور (نمودار شماره 3) بیانگر آن است که شهرستان اصفهان دارای موقعیت خاصی است. بالاتر بودن رفاه اجتماعی و پایین بودن سرمایه اجتماعی ویژگی بارز این شهرستان است. کسب رتبه اول در شاخص رفاه و رتبه آخر در سرمایه اجتماعی قابل تامل است. شهر اصفهان نماد بارز توسعه نامتوازن و ناپایدار و یکسویه در فرآیند توسعه است. عدم توجه به ابعاد اجتماعی توسعه و فقدان اتخاذ راهبرد عدالت توزیعی در جریان رشد اقتصادی و توجه به مقوله برابر اجتماعی در فرآیند توسعه موجب شده است که در عین بهبودی نظام دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی ظرفیت های اجتماعی به همان اندازه توسعه پیدا نکرده است. این متغیر در مطالعه انجام شده توسط ایچیرو کاماجی، بروس کندی (1999) در مناطق

1- بر اساس نتایج مصاحبه با مسؤولان محلی، این امر به دلیل ترکیب متعادل نسبت جمعیت بومی و غیربومی است. همچنین در این شهرستان قدرت رسمی در اختیار افراد غیربومی است. بومی ها بیشتر دارای مشاغل کشاورزی و دامداری بوده و سایر مشاغل تجاری و اداری عمدتاً برعهده غیربومیان است. معتمدین محلی در تسهیل تعامل مبتنی بر اعتماد بین بومی ها و غیربومی ها دارای نقش تعیین کننده هستند. عامل خشکسالی و کاهش نقش آب و جایگاه کشاورزی در اقتصاد محلی و افزایش سهم بخش دولت در اقتصاد و همچنین وجود رقابت بین بومی ها و غیربومی ها با هدف ماندن در صحنه اجتماعی و دستیابی به سهم مناسب تر در آینده اجتماعی و اقتصادی از جمله عوامل احتمالی میزان سازگاری اجتماعی و بالابودن سرمایه اجتماعی در شهرستان داران است.

2- همانطور که در نمودار شماره (3) و ضریب همبستگی 0/42- بین دو متغیر رفاه و سرمایه اجتماعی مشخص است در بین شهرستان های مورد مطالعه این انتظار وجود دارد که در مجموع شهرستانهای دارای رفاه بالاتر از سرمایه اجتماعی پایین تری برخوردار باشند. با اینحال وضعیت بسیار خاص در شهرستان داران و اصفهان (بالاترین سرمایه و کمترین رفاه در داران و پایین ترین سرمایه و بالاترین رفاه در اصفهان) در ایجاد این رابطه منفی بسیار اثر گذار بوده اند به نحوی که محاسبه این ضریب تنها برای هشت شهرستان (یا حذف اصفهان و داران) یک ضریب مثبت با شدت متوسط برابر 0/33 را نشان می دهد. لذا لازم است در این باره، نتایج با احتیاط تفسیر شده و با بررسی سایر شهرستانها نتایج متفن تری حاصل شود. همچنین در این باره لازم است اصفهان و داران به عنوان موارد تحلیل موردی شوند و پیشنهاد می شود این مطالعه در سالهای دیگر توسط پژوهشگران خاص تکرار شده و نتایج با یکدیگر مقایسه گردند.

وجود دارد (ناک³ و کیفر⁴ 1997). موریس⁵ در 1998 با توجه به داده های رسمی منتشر شده توسط دولت هند نشان می دهد که آن دسته از ایالت های هند که از سرمایه اجتماعی خوبی برخوردارند در کاهش فقر موفق تر بوده اند (کریشنا 2002). کریشنا⁶ و آپهاو⁷ (1999) نیز با مطالعه روستاهای مختلف هند به این نتیجه می رسند که بین سرمایه اجتماعی و عملکرد توسعه ارتباط مثبتی وجود دارد.

با توجه به مطالعات تجربی انجام شده فوق می توان به این نکته اشاره کرد که آنچه در میان همه این بررسی ها مشترک است همراه بودن متغیرهای سرمایه اجتماعی و افزایش سطح رفاه و توسعه اقتصادی با یکدیگر است.

در حقیقت آنچه که ما در بررسی خود در استان اصفهان ملاحظه نمودیم عدم وجود تعادل میان بالارفتن سطح رفاه با میزان سرمایه اجتماعی موجود در شهرستان های استان هستیم. اکنون نکته اصلی این پرسش است که با معضل مذکور چه باید کرد؟

در نگاه تعادل گرایانه باید هماهنگی و تعادل از دست رفته را به حالت عادی برگرداند. در رویکرد سنتی باید راهبرد نوسازی را متوقف ساخت و یا سرعت آن را به حداقل رساند و موضوع و پیامدهای آن را در حد اضطرار پذیرفت و بر انسجام اجتماعی و حفظ آن به طور خاص تاکید کرد.

شهرستان مورد مطالعه هیچکدام از شهرستانها از چنین ویژگی برخوردار نیستند.

در جمع بندی باید گفت چگونگی رابطه بین رفاه و سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه مورد توجه عمیق نظریه پردازان اجتماعی بوده است. کنت بولن¹ و رابرت جکمن² با مرور محیط دموکراسی های موفق نتیجه گرفته اند که سطح توسعه اقتصادی تاثیر زیادی بر دموکراسی سیاسی دارد. حتی در مواقعی که عوامل غیر اقتصادی مورد توجه هستند باز هم تولید ناخالص ملی یک متغیر مسلط به حساب می آید. ثروت و بهبود وضع رفاهی فشارهای عمومی و خصوصی را کاهش می دهد. انطباق و سازش اجتماعی را تسهیل می نماید. پاتنام در مطالعه خود در مناطق ایتالیا به این نکته دست یافت (پاتنام: 1379؛ 152-151).

دسته ای دیگر از مطالعات صورت گرفته نشان می دهند که سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل می تواند بر روی توسعه اقتصادی و بالارفتن سطح رفاه اجتماعی تأثیر گذار باشد. فاطمه مرینیسی جامعه شناس مراکشی با انجام مطالعه ای موردی بر روی روستای ایت ایکتل در مراکش و نیز بررسی برخی دیگر از روستاهای منطقه نشان می دهد که چگونه سرمایه اجتماعی موجود میان روستاییان باعث همکاری و تلاش مشترک آنان جهت راه اندازی شبکه های برق و آب رسانی و در کل بالارفتن سطح رفاه اجتماعی در این روستاها شده است. (مرینیسی، به نقل از تاجبخش 1384، 633 تا 652).

ناک و کیفر براساس داده های نظرسنجی های ارزش های جهانی نشان می دهند که میان اعتماد که یکی از مهم ترین عناصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است با میزان رشد اقتصادی رابطه مثبتی

³ - Stephen Knack

⁴ - Philip Keefer

⁵ - Morris

⁶ - Anirudh Krishna

⁷ - Uphoff

¹ - Kenneth Bollen

² - Robert Jackman

جدول 8- ماتریس موقعیت شهرستانهای مورد مطالعه در شاخص های رفاه و سرمایه اجتماعی

رفاه / سرمایه	پایین	متوسط	بالا
پایین	سمیرم	گلبایگان	داران*
متوسط	خمینی شهر	لنجان، برخوار، شهرضا	نایین
بالا	اصفهان*	_____	_____

منابع

۱- آربلاستر، آنتونی. دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول، تهران، انتشارات آشتیان، (1379).

۲- آراین پور، جلیل. طرح های توسعه در افق برنامه ریزی استراتژیک، تهران، انتشارات شیشه (1377).

۳- آزاد ارمکی، تقی. اندیشه نوسازی در ایران، تهران، دانشگاه تهران (1379).

۴- ازکیا، مصطفی. جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران. تهران: نشر اطلاعات، (1365)

۵- ازکیا، مصطفی. نظریه های توسعه نیافتگی. نامه علوم اجتماعی، شماره اول (1367).

۶- ازکیا، مصطفی. جامعه شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه (1380).

۷- پاتنام، رابرت. دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات وزارت کشور (1379).

۸- پتريک، تونی فیتز. نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون پور، انتشارات مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو (1381).

۹- تاجبخش، کیان. سرمایه اجتماعی - اعتماد، دموکراسی و توسعه - چاپ اول، تهران، نشر شیرازه (1384).

در رویکرد واقع گرایانه، بر راهبرد پایداری و توازن در فرآیند توسعه و اتخاذ رویکردهای عدالت گرایانه تاکید می شود. در این رویکرد توسعه یک فرآیند است توسعه یک برنامه و پروژه نیست که فقط توسط دولتها طراحی، برنامه ریزی و اجرا گردد. توسعه برای مردم، توسط مردم و به منظور ارتقای کیفیت زندگی مردم است. در چنین رویکردی سرمایه اجتماعی افزایش می یابد و توسعه و رفاه اجتماعی همچنان مسیر روبه جلو را می پیماید. برای کاهش شکاف بین سرعت توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی و جلوگیری از پیامدهای منفی شکاف راهی جز افزایش سرمایه های اجتماعی نیست. این راهبرد نمی تواند بعنوان دستورالعمل کلی و نسخه راهنمای عمل برای همه شهرستانها باشد.

اتخاذ رویکرد منطقه ای و توجه به ویژگیهای محلی می تواند فرآیند توسعه را انسانی تر، عادلانه تر و مردم مدار نماید. تحقق این امر نمی تواند بدون اتخاذ سیاست اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی توأم با افزایش رفاه اجتماعی با رعایت ملاحظات محلی امکان پذیر گردد.

- ۱۰- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه (1364).
- ۱۱- جمشیدیان، مهدی؛ کتابی، محمود و کاظمی اسفه، مهدی، نظام اداری و توسعه اجتماعی اقتصادی در ایران، قم، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره 10 (1380).
- ۱۲- دیاکیت، سیدیکی. کتاب توسعه، جلد سوم، ترجمه احمد محقق، تهران، نشر توسعه (1371).
- ۱۳- دینی، علی. تفاوت کیفی مفهوم رشد و توسعه، کتاب توسعه، شماره اول (1370).
- ۱۴- راد، فیروز. جامعه شناسی توسعه فرهنگی، کندوکاوها و پنداشته های شریعتی، تهران، چاپخش (1382).
- ۱۵- زاهدی اصل، محمد. مبانی رفاه اجتماعی. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی تهران (1381).
- ۱۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی. سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی (1382).
- ۱۷- سازمان برنامه و بودجه، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات (1378).
- ۱۸- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان اصفهان. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۱۹- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان برخوار و میمه. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۰- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان خمینی شهر. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۱- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان سمیرم. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان شهرضا. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۳- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان لنجان. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان فریدن. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان کاشان. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان گلپایگان. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۷- سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصفهان. نگاه به شهرستان نایین. معاونت اقتصاد و برنامه ریزی (1380).
- ۲۸- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. سالنامه آماری استان اصفهان. معاونت آمار و اطلاعات (1382).
- ۲۹- سن، آمارتیا. توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران (1382) 0
- ۳۰- عظیمی، حسین. دین، فرهنگ و توسعه، کتاب توسعه، شماره 4، تهران، نشر توسعه (1371).
- ۳۱- عظیمی، حسین. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران، نشرنی (1371).
- ۳۲- قره باغیان، مرتضی. اقتصاد رشد و توسعه، تهران، نشرنی (1383).
- ۳۳- کامکار، مهدیس. سیاست اجتماعی چیست، نشریه رفاه اجتماعی. شماره 10.
- ۳۴- کلمن، جمیز. بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، نشر نی (1377).
- ۳۵- گریفین، گیت و مک کنلی تری. توسعه انسانی، تهران، نشر وداد (1377).
- ۳۶- مایر، جرالدام و سیرز، دادلی. پیشگامان توسعه، ترجمه سید علی اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران، انتشارات سمت (1368).

- 47- Fukuyam, Francis. (1999). Social capital and civil society. <http://www.2mf.org.external/pubs/ft/seminar/1999/fukuyama.htm>.
- 48- Grootaert, C., Narayan, D., Jones, V.N and woolcock, M. (2005). Measuring social capital An integrated Questionnaire, world Bank working paper No.18.
- 49- Jacobs, G., Macfarlane, R. and Asokan, N. (1997), comprehensive, Theory of social Development International center for peace and Development.
- 50- Kawach, I., Kennedy, B. and Glass R (1999) Social Capital and Self- rated health: a Contentual analysis. American Journal of Public health, Vol. 89, pp 1187-1193.
- 51- Krishna, A. and shrader, E. (2000). Cross-cultural measure of social capital: a tool and results from India and Panama, washington DC: world bank social capital initiative paper No.21.
- 52- Krishna, A. (2002). Active Social Capital :Tracing the Roots of Development and Democracy. New York: Colombia University Press.
- 53- Krishna, A., Uphoff, N. (1999). Mapping and Measuring Social Capital :A conceptual and Empirical Study of Collective Action for Conserving and Developing Watersheds in Rojastan, India Social Capital Initiative working paper no.13, Washington D.C, World Bank.
- 54- Knack, S. and keefer, P., (1997), Does social Capital have an Economic Payoff? A Cross –Country Investigation. Quarterly Journal of Economics, 112(4): 1251-88.
- 55- Narayan, D. and cassidy, M. (1999). A dimensiond approach to measuring social capital : Development and validation of a social capital
- ۳۷- میجلی، جیمز. رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمدتقی جغتایی تهران، دانشگاه علوم بهزیستی (1378).
- ۳۸- نراقی، یوسف. توسعه کشورهای توسعه نیافته، تهران، شرکت سهامی انتشار (1380).
- ۳۹- هابرماس، یورگن. نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، جلد 1، عقل و عقلانیت جامعه، جلد 2، جهان زیست و نظام، چاپ اول. تهران، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران (1384).
- ۴۰- هانتینگون، ساموئل. سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم (1370).
- ۴۱- یزدانی، فرشید. مفاهیم بنیادی در مباحث در رفاه اجتماعی. تهران، دانشگاه علوم بهزیستی (1382).
- ۴۲- یونسکو. کاربرد شاخص های اجتماعی - اقتصادی در برنامه ریزی توسعه، ترجمه هرمز شهدادی (1376).
- 43- Australian Bureau of Statistics. (2003). ABS draft social capital Indicators for Discussion at workshop.
- 44- Bourdieu, P., (1986). The forms of capital. In Richardson, J. (ed) Handbook of theory and Research for the sociology of education. New York: Greenwood Press.
- 45- Bullen, Paul and Jenny onyx. (1998). Measuring social capital in five communities in NSW, Neighbourhood and community centers. see It's summary in: Journal of Applied Behavior, Vol. 36, No1, March 2000, pp23-24.
- 46- (1999). social capital in family support services and Neighbourhood and community centers in NSW. An Analysis, CACOM : University of Technology :sydney

- 60- Rose, Richard. (1998). Getting things Done in an Anti – Modern society: social capital Networks in Russia , washington DC: world Bank social capital Initiative paper No.6.
- 61- Schumpeter, J. (1979) Capitalism, Socialism and Democracy. London: Allen and unwin.
- 62- Social Capital Benchmak survey (2000) Final and Draft Versions. See It's executive summary in <http://www.fftc.org/resurces/survey.pdf>.
- Woolcock , M. and Narayan, D. (2000) social capital: implications for development theory, research and policy. World bank research Inventory, World Bank, poverty Reduction and Economic Management Network , Washington D.C. Processed.
- 57- Putnam, R. D. (1995). Bowling Alone: America's Declining social capital, journal of Democrecy vol.6.
- 58- Putnam, R. D. (1996). The prosperous community: social capital and Public life – the American prospect. <http://www.prospect.Org/print/v4/13/putnam-r.html>.
- 59- Rostow, W. (1953) The Process of Economic Growth, New York, Oxford university Press.

